

خدا چون سلام به روی ماهت...

# بال‌های آتشین ۳

## قلمروی پنهان



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



بالمهای  
اکتسین  
قلمروی پنهان

توئی تی سادرلند  
آناهیتا حضرتی کیاوندانی

سرشناسه : سادرلند، توئی، ۱۹۷۸ - Sutherland,Tui  
عنوان و نام پدیدآور : بال‌های آتشین: قلمروی پنهان / نویسنده توئی تی سادرلند؛ ترجمه‌ی آناهیتا حضرتی کیاوندانی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۳۰۴ص. مصور؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.  
فروست : بال‌های آتشین: ۳.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۱۱-۶۲-۷  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Wings of fire book three: The hidden kingdom, c2012  
عنوان دیگر: قلمروی پنهان.  
موضوع : داستان‌های کودکان (آمریکایی) - قرن ۲۱م.  
شناسه‌ی افزوده: حضرتی کیاوندانی، آناهیتا، ۱۳۶۲-، مترجم.  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲۳ الف/۳۶۱۲PS  
رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴ [ج]  
شماره کتاب شناسی ملی: ۴۲۰۴۷۴۰



## انتشارات پرتقال

بال‌های آتشین ۳: قلمروی پنهان

نویسنده: توئی تی سادرلند

مترجم: آناهیتا حضرتی کیاوندانی

ویراستار: فاطمه فدایی‌حسین

مدیر هنری و طراح جلد نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

آمادسازی و صفحه‌آرایی: آتلیه پرتقال / سید سعید هاشمیان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۱۱-۶۲-۷

نوبت چاپ: اول - ۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱ - ۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

برای برادرم که با شکوه است همچون گلوری،  
دانشمند است همچون استارفلایت، و  
سرکش است همچون سونامی  
آح







داهنمای شب‌بال درباری  
از حقایق

قلندرو جنگل انبوه



قلمرو پخ

قلمرو آس

# برزمین پیریا

لانہی عقب

کوہستان پیر



### شن‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های طلایی یا سفید به رنگ شن‌های بیابان، دُم خاردار زهر آگین و زبان سیاه دوشاخه دارند.

توانایی‌ها: می‌توانند مدت زیادی بدون آب زنده بمانند، مانند عقرب با انتهای دُمشان دشمن را نیش بزنند و مسموم کنند، خودشان را برای استتار در شن‌های بیابان مدفون کنند و از دهانشان آتش خارج کنند.

ملکه: از زمان مرگ ملکه اوسیس به بعد، قبیله به سه گروه تقسیم شده که هر یک برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کنند: سه خواهر به نام‌های برن، بلیستر و پلیر.

متحدان و دوستان: برن در کنار اژدهایان قلمرو آسمان و اژدهایان قلمرو گل می‌جنگد، بلیستر با افراد قلمرو دریا متحد است و پلیر از حمایت بیشتر افراد قلمرو شن و اتحاد با قلمرو یخ برخوردار است.



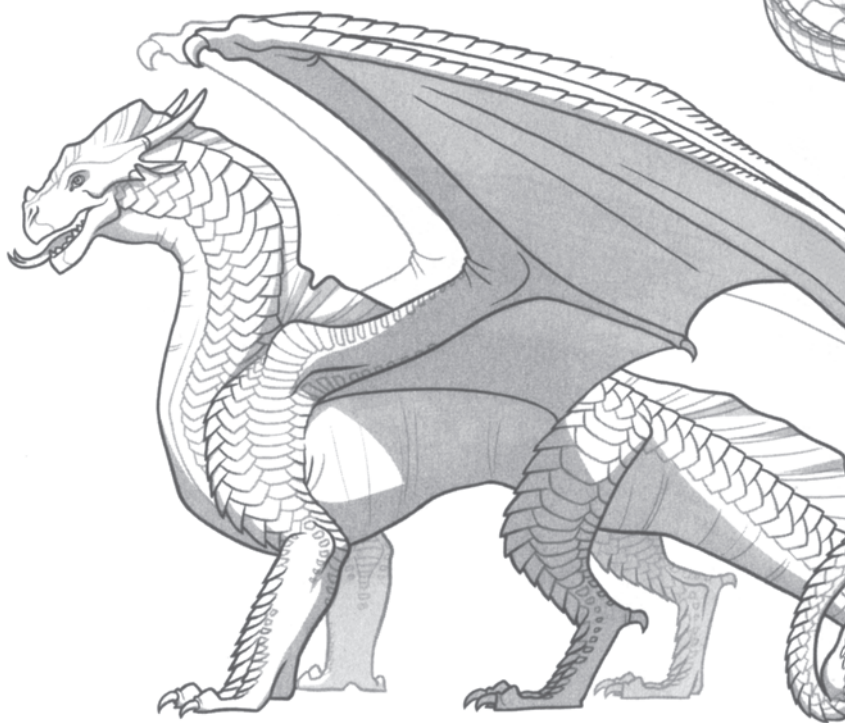
## گل‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های زُ‌مُخت، زره‌مانند و قهوه‌ای، گاهی با ته‌رنگ  
طلایی و کهزبایی دارند. سرشان پهن و بزرگ است و سوراخ‌های  
بینی‌شان بالای پوزه قرار گرفته است.

توانایی‌ها: (در صورتی‌که به‌اندازه‌ی کافی گرم شوند) می‌توانند از  
دهانشان آتش خارج کنند، نفسشان را بیش از یک ساعت حبس  
کنند و خودشان را با گودال‌های بزرگ گل‌هم‌رنگ کنند؛ معمولاً بسیار  
قدرتمند هستند.

ملکه: ملکه‌ی آن‌ها مورهن است.

متحدین و دوستان: درحال حاضر با پرن و افراد قلمرو آسمان برای  
جنگ بزرگ متحد هستند.



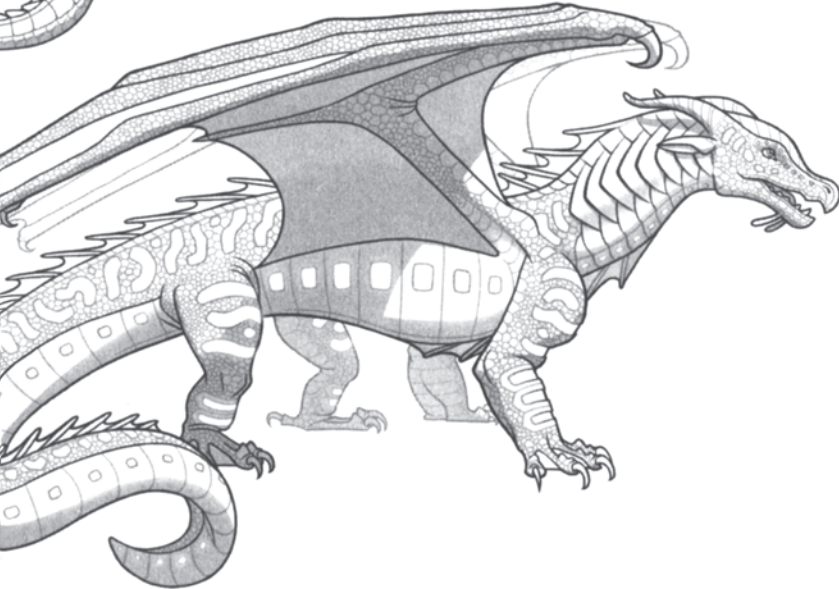
## آسمان‌بال‌ها

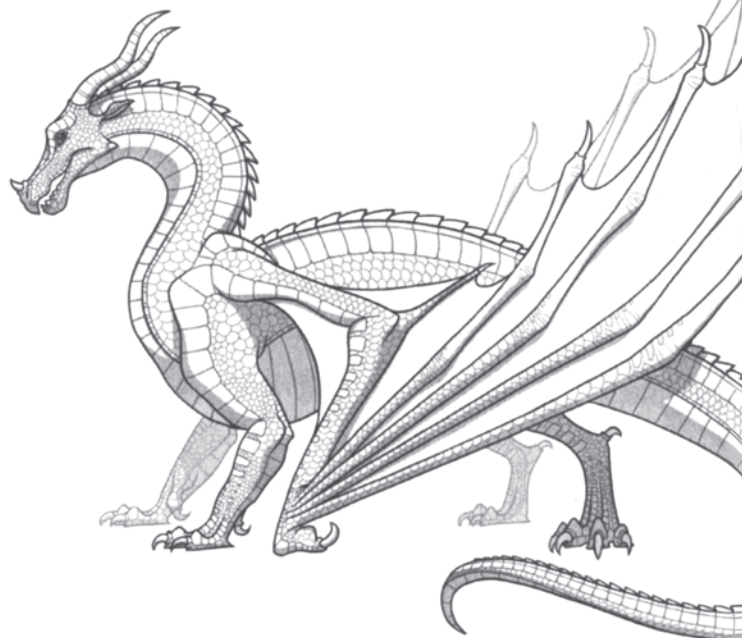
ویژگی‌ها: فلس‌های قرمز-طلایی و یا نارنجی و بال‌های بسیار بزرگ دارند.

توانایی‌ها: جنگجویان و پرنده‌گان قدرتمندی هستند، می‌توانند از دهانشان آتش خارج کنند.

ملکه: ملکه‌ی آن‌ها اِسکارلت است.

متحدین: درحال حاضر با پرن و افراد قلمرو گل برای جنگ بزرگ متحد هستند.





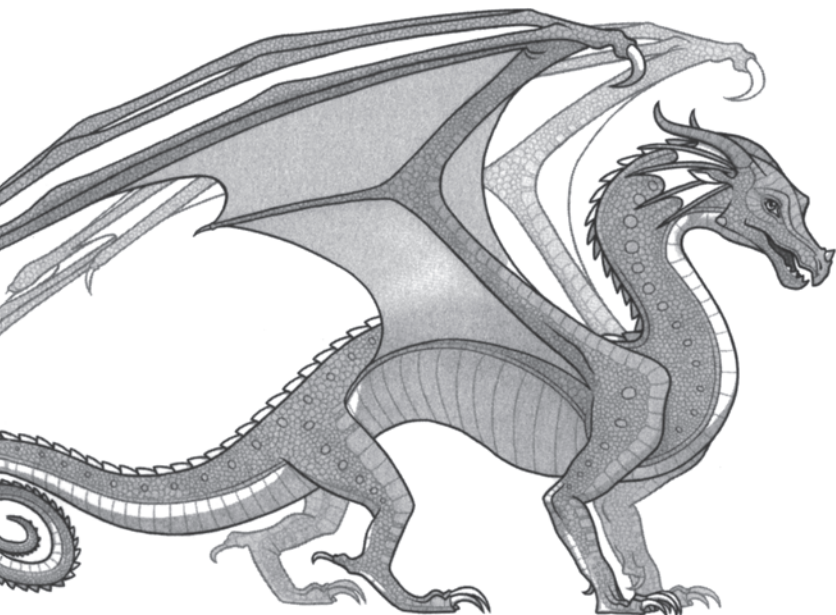
## دریابال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های آبی، سبز و یا زُمردی دارند، پنجه‌هایشان پره‌دار است، روی گردن آبشش دارند، روی دُم، پوزه و زیر شکم راه‌راه‌های شیرنگ دارند.

توانایی‌ها: می‌توانند زیر آب تنفس کنند، در تاریکی بینند، یا یک ضربه‌ی دُم قدرتمندشان یک موج بزرگ بسازند و به‌خوبی شنا کنند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها کورال است.

متحدین: درحال حاضر برای جنگ بزرگ با بلیستر متحد هستند.





## یخ‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های نقره‌ای به رنگ ماه و یا آبی روشن به رنگ یخ دارند. پنجه‌های برجسته برای گرفتن یخ و زبان دوشاخه‌ی آبی دارند. دُمشان از پایین به بالا نازک می‌شود و شلاق‌مانند است. توانایی‌ها: می‌توانند دماهای بسیار پایین و نور شدید را تحمل کنند، بازدم فوق‌العاده سرد و کشنده‌ای دارند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها گل‌سپیر است. متحدین: درحال حاضر با پلیز و افراد قلمرو شِن برای جنگ بزرگ متحد هستند.

## باران‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های آن‌ها دائم تغییر رنگ می‌دهد. معمولاً، به رنگ‌های درخشان هستند و با دُم‌هایشان توانایی گرفتن اجسام را دارند. توانایی‌ها: می‌توانند برای استتار به رنگ محیط اطراف دربیایند. از دُم‌های قلاب‌وارشان برای بالا رفتن از جاهای مختلف استفاده می‌کنند. هیچ سلاح طبیعی شناخته‌شده‌ای ندارند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها دازلینگ است. متحدین: در جنگ بزرگ شرکت ندارند.





### شب‌بال‌ها

ویژگی‌ها: در قسمت داخلی بال‌هایشان فلس‌های بنفش-مشکی و فلس‌های پراکنده‌ی نقره‌ای دارند؛ مثل یک شب‌پُرستاره! زبانشان سیاه و دوشاخه است.

توانایی‌ها: می‌توانند از دهانشان آتش خارج کنند، در سایه‌های تاریک ناپدید شوند، ذهن‌خوانی کنند و از آینده خبر بدهند.  
ملکه: اینکه ملکه‌ی آن‌ها چه کسی است، یک راز سر به‌مُهر است.  
متحدین: از آنجا که آن‌ها بسیار مرموز و قدرتمند هستند، نمی‌توانند در جنگ شرکت داشته باشند.



## پیش‌گویی اژدهازادگان

بیست سال که از جنگ بگذرد،  
اژدهازادگان خواهند آمد...  
آن هنگام که زمین غرق در خون و اشک است،  
اژدهازادگان خواهند آمد...  
آبی‌ترین تخم دریابالان را بجوی.  
اژدهای شب به‌سویت خواهد آمد.  
بزرگ‌ترین تخم اژدها در بلندای کوهستان  
اژدهای آسمان را برایت به ارمغان خواهد آورد.  
برای یافتن اژدهای زمین، در خاک  
تخم اژدهایی به رنگ خون را بجوی.  
اژدهای شن به دور از چشم ملکه‌های رقیب  
در خفا، پنهان خواهد ماند.  
از بین سه ملکه  
که یکی می‌سوزاند و دیگری می‌گذارد  
و آن دیگر که مشتعل می‌سازد  
دو تن خواهند رفت و یک تن  
خواهد آموخت  
اگر به تقدیرِ والاتر و قادرتر تن دردهد،  
بال‌های آتشین را خواهد یافت.  
تولد پنج اژدها در روشن‌ترین شب  
پایان نبرد بزرگ خواهد بود.  
شب می‌آید تا روشنی بیاورد؛  
اژدهازادگان در راه‌اند...



## سرآغاز

باز هم پنج تا بچه‌اژدها با هم سرشاخ شده بودند. بین صخره‌ها جست‌وخیز می‌کردند و نور خورشید که تازه داشت طلوع می‌کرد، روی فلس‌های سبز و قرمز و طلایی آن‌ها می‌تابید. بچه‌ها برای هم دندان تیز می‌کردند و پنجه نشان می‌دادند؛ با عصبانیت زبان نیش‌مانندشان را برای هم درمی‌آوردند و سر هم داد می‌کشیدند. آن طرف‌تر، زیر صخره‌ها، دریا موج‌هایش را تند و خروشان به ماسه‌های ساحل می‌کوبید؛ انگار می‌خواست با نعره‌های اژدها کوچولوها رقابت کند.

رفتار بچه‌ها خجالت‌آور بود، ولی کاری نمی‌شد کرد. ناتیلوس، نگران به اژدهای بزرگ و سیاهی که کنارش ایستاده بود نگاهی انداخت، ولی بچه‌ها هنوز داشتند دادوبیداد می‌کردند و متوجه‌اش نشده بودند. آرزو می‌کرد ای کاش او هم می‌توانست ذهن فردابین را بخواند؛ شک نداشت فردابین ذهنش را می‌خواند.

آرزوی دیگرش این بود که ای کاش از جنگجویان صلح، تعداد بیشتری آنجا می‌ماندند، چون وقتی خبر رسید آن شب‌بال می‌خواهد بیاید آنجا، یک‌دفعه همه مأموریتی برای خودشان جور کردند و زدند به چاک. امروز صبح مخفیگاه جنگجویان صلح، توی صخره‌های کنار دریا، تقریباً خالی از هر موجود زنده‌ای شد. فقط گاهی وقت‌ها اژدهایی از توی غاری سرک می‌کشید، ولی تا چشمش به فردابین می‌افتاد فوری خودش را گم‌وگور می‌کرد.

روی صخره‌ها فقط آن پنج‌تا بچه‌اژدها را می‌شد دید.  
البته چند بچه‌اژدهای دیگر هم با جنگجویان صلح زندگی می‌کردند، ولی همه‌شان را مخفی کرده بودند.

مثل اینکه کسی به اژدها کوچولوها خبر نداده بود فردابین دارد می‌آید آنجا و می‌خواهد به آن‌ها سرکشی کند.

فردابین گفت: «خیلی خُب، این‌طور که پیداست... سرحالن.»  
ناتیلوس با ترس‌ولرز گفت: «یادتونه، قرار بود اینا فقط توی نقشه‌ی پشتیبیان باشن. اصلاً معلوم نبود بهشون نیاز پیدا کنیم یا نه. کی فکرش رو می‌کرد یه روز همه‌شون رو بخوایم؟! می‌گفتیم شاید یکی دوتا‌شون به کارمون بیان، اونم اگه یه وقت واسه اصلی‌ها اتفاقی بیفته.»

فردابین گفت: «متوجه‌م.» همان موقع، وایپر، شِن‌بال کوچولو، افتاد توی یک شکاف و گِل‌بال بلافاصله چرخی زد و خودش را انداخت رویش. وایپر نعره زد، چرخید، دُم‌اُکرا را گاز گرفت و ناله‌ی زوزه‌مانند او را درآورد. فردابین هم چشم‌های سیاهش را ریز کرده بود و این صحنه را تماشا می‌کرد.  
ناتیلوس گفت: «من رو ببخشین.» می‌دانست این ماجرا قرار بود به کجا ختم شود. رفت جلو، گوش وایپر را پیچاند و اسکوئید، دریا‌بال سبز و کوچک را، قبل از اینکه دیگران دُمش را آتش بزنند، از سر راه قاپید.

غرضی کرد و گفت: «بسه دیگه، تمومش کنین. یکی داره نگاتون می‌کنه.»  
فَلیم، بچه‌آسمان‌بال قرمز، دهانش را بست، سرش را چرخاند و با نگاهش سنگ‌های درهم و برهم صخره را واریسی کرد. فردابین که توی سایه ایستاده بود آمد زیر نور خورشید صبحگاهی، با شکوه خاصی پوزه‌اش را بالا گرفت و با همان حالت به آن‌ها نگاه کرد.

بچه شب‌بال با ذوق و شوق گفت: «می‌دونستم!»  
فیت‌اسپیگر از بالای ستون سنگی جست زد، با غرور بال‌هایش را تکان داد و گفت: «می‌دونستم یه شب‌بال داره میاد ما رو ببینه! نگفتم بالأخره این